



شروشگاه علوم مران از نو مطالعات فلسفی

آشنایی با مشاهیر حکمت و فلسفه





شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی





پروپشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

میر شمس الدین محمد باقر حسینی استرآبادی

میرداماد

محمد صادق یوسف وند

فیلسوفان و حکیمان مسلمان ایرانی همانند ستارگانی هستند که بر تارک علم و فرهنگ این ملت می درخشند. به حقیقت فرهنگ یک ملت چیزی فراتر از نقش‌ها و اشیاء بی جان است که به مرور زمان اثر کهنگی و فرسایش بر آنها نمایان گشته. ثمره و نماد فرهنگ هر قومی، فکر و اندیشه آن قوم می باشد، آنچه‌ای که سبب تمایز نوع انسان از سایر انواع گشته و روشن است که طلایه داران این اندیشه به غیر از صاحبان آن اندیشه‌ها نخواهند بود.

حکیمان الهی از دیرباز نمونه‌های اعلای فرهنگ و تمدن و مایه تفاخر بشریت بوده اند. در این میان می توان از حکیم برجسته و فیلسوف نامدار جهان اسلام میرداماد نام برد.

«میر شمس الدین محمد باقر حسینی استرآبادی» مشهور به «میرداماد» و متخلص به «اشراق» بی شک یکی از نوادر و بزرگان فلسفه و حکمت، نه تنها در دوره صفویه بلکه در طول تاریخ بشریت است که در جامعیت کمتر کسی به پای او می رسد. میرداماد اصالتاً از اهالی استرآباد (گرگان کنونی) بوده است اما همواره در اصفهان سکنا گزید. «داماد» لقب پدر اوست و دلیل این شهرت آن است که او داماد «محقق ثانی شیخ عبدالعلی کرکی عاملی»، فقیه معروف آن دوران بوده است و این لقب ابتدا برای او و سپس برای

فرزندش به یادگار مانده است. از تاریخ دقیق تولد این عالم فرزانه، اطلاعی در دست نیست. میرداماد خود را معلم ثالث بعد از ارسطو می دانست و شأن خویش را کمتر از معلم ثانی ابونصر فارابی نمی دید و در این مورد عبارت «قال شریکنا فی التعلیم، ابونصر فارابی» را بر زبان می آورد. همچنین وی بهمینار، شاگرد ارشد ابن سینا را شاگرد خود می دانسته و گه گاه که از او سخنی را نقل می کرد می گفت: «قال تلمیذنا بهمینار».

وی فیلسوفی گرانقدر و شخصی متعبد و پرهیزکار بود. همیشه قرآن می خواند و در ادای نوافل کوشا بود و تا آخر عمر بر این روش مداومت و مراقبت داشت تا اینکه در سال ۱۰۴۱ قمری در نجف اشرف در گذشت و بنا بر وصیتش در جوار مرقد مطهر مولایش علی بن ابی طالب - علیه السلام - دفن گردید.

میرداماد از فلاسفه بزرگ اسلام و از اعظام شیعه است که گذشته از تبحر در فلسفه اسلامی، ریاضی و طب، در علوم شرعی نظیر: فقه، اصول، حدیث، رجال و تفسیر نیز تسلط داشته و از مجتهدین عصر خویش بود. وی شعر هم می سرود و تخلص شعری او «اشراق» بود. در عظمت وی همین بس که ملاصدرا در حد پرستش وی را ستوده

مرا تکفیر کردند در حالی که شما را تکفیر نکردند با اینکه مذهب من از مذهب شما خارج نیست ؛ علت این امر چیست ؟»
میرداماد در جواب گفت : «من مطالب حکمت را چنان نوشتم که علما هم از فهم آن عاجزند و غیر از اهل حکمت کسی آنها را نمی تواند فهمید ؛ ولیکن تو مطالب حکمت را مبتذل کردی و به نحوی بیان کردی که اگر یک ملا مکتبی کتابهای تو را ببیند مطالب آن را می فهمد ، از این جهت بود که تو را تکفیر کردند و مرا نکردند .»

لازم به ذکر است که جناب میرداماد کوشید که مطالب حکمت را به روشی بیان کنند تا از دسترس ناهلان دور نگاه داشته شوند و برای این مهم خود، به جعل اصطلاحاتی در این فن دست زد و این خود یکی از موجبات غموض کلام و سختی فهم حقایق حکمی ، فلسفی این حکیم وارسته است که تا حد بسیاری هم موجب ناشناخته ماندن حکمت خاص ایشان شده است .

میرداماد در زمینه های مختلف تألیفات متعددی دارد که از اهم آنها می توان به :

- ۱- القبسات ، در حکمت ، تألیف ۱۰۳۴ هجری .
- ۲- الصراط المستقیم ، در حکمت
- ۳- خلسة الملکوت
- ۴- تقویم الایمان
- ۵- الافق المبین

است و او را وارث علوم انبیا و مرسلین دانسته است و حقیقتاً نیز چنین بوده است ؛ که حکمای حقیقی وارثان انبیا و مرسلینند .

این عالم گرانقدر دوران فراگیری علوم را نزد اساتیدی چند از جمله **شیخ عبد العلی کرکی ، سید نورالدین عاملی ، تاج الدین حسینی ، فخرالدین استرآبادی و صاعد توسی** سپری کرده و کسب علم نموده است از میان این اساتید «سید فخرالدین استرآبادی» از علمای اهل معقول است و به قولی با دو واسطه ، شاگرد صدرالدین دشتکی بوده است .

جناب میرداماد معاصر علامه بزرگوار شیخ بهایی بود . این دو ، از معروف ترین علمای دربار صفوی بوده و پیوسته یار یکدیگر بودند و چنین صداقتی از دو عالم معاصر در این حد کمتر دیده شده است .

میر داماد در حکمت شاگردان انگشت شماری داشته که البته همه از علمای بزرگ زمان خویش بودند که از آن جمله **صدرالمتألهین شیرازی ، عبدالرزاق لاهیجی ، ملا محسن فیض کاشانی و میر سید احمد علوی (داماد او)** از همه معروف ترند چنانکه شهرت صدرای شیرازی در بسیاری از اوقات بر مجد و بزرگی استاد سایه افکنده است .

گویند : ملاصدرا ، جناب استاد را در خواب دید و از او سؤال کرد که : « مردم

۶- الرواشح الماویة

۷- الجمع و التوفیق بین رأی الحکیمین
در حدوث عالم

۸- رساله فی المنطق

۹- السبع الشداید

۱۰- رساله فی تحقیق مفهوم وجود

۱۱- رساله فی خلق الاعمال

۱۲- سدره المنتهی

۱۳- عیون المسائل

۱۴- تفسیر قرآن

۱۵- اللوامع الربانیة فی رد شبهة النصرانیة

۱۶- شرح استبصار

۱۷- رساله فی الجبر والتفویض

۱۸- رساله فی ابطال زمان موهوم

۱۹- جیب زاویه (سینوس) و . . .

اشاره کرد .

ابداعات و عقاید جناب میرداماد در بسیاری از موارد منحصر به فرد و در حوزه فلسفی او ممتاز به شمار می روند ، که از مواردی که حائز اهمیت است می توان به نمونه هایی اشاره کرد از جمله :

۱- اصالت وجود یا ماهیت :

ایشان اولین کسی بودند که این مسئله را به شکل دورانی که وجود اصیل است یا ماهیت مطرح کردند و دوران امر ، میان اصالت ماهیت و اعتباری بودن وجود و با اصالت وجود و اعتباری بودن ماهیت را مطرح نمود و خود در این میان اصالت ماهیت را برگزید .

۲- حدوث دهری :

یکی دیگر از ابتکارات این سید بزرگوار مسأله حدوث دهری می باشد که ایشان این مطلب را در جمع بین آرای حکما و متکلمین در حدوث و قدم عالم مطرح می نماید که در آن عوالم فروتر را مسبوق به عالم بالاتر می داند و در نهایت همه آنها را مسبوق به سرمد .

۳- حرکت :

در بحث حرکت به این نکته می رسیم که حرکت شامل دو نوع می شود :

الف- «حرکت متوسطیه» که بودن شیء بین مبدأ و منتها است و ب- «حرکت قطعیه» که بودن شیء در بین مبدأ و منتها است به گونه ای که نقطه ای را رها کرده و در حال رسیدن به نقطه ای دیگر است و به عبارت دیگر دائماً از قوه خارج شده و به فعلیت می رسد و آن فعلیت هم قوه ای برای فعلیت های بعدی می شود .

میرداماد در مورد حرکت برای اولین بار اعلام کرد که حرکت متوسطیه ، امری اعتباری و حرکت قطعیه ، امری حقیقی است .

۴- وجود رابط و رابطی

۵- صادر اول :

در مورد صادر اول باید گفت که این بحث موضوعی اختلاف انگیز در بین حکما و عرفا بوده است و هر نحله ای در این باره حکم و قاعده ای خاص را بیان داشته است .

میرداماد به سخن حکما که می گویند :
 «اولین صادر عقل است» انتقاد می کنند و
 خود می گویند : صادر اول باید موجودی
 باشد که کل الاشیاء باشد در طول موجودات
 دیگر؛ در واقع جناب میرداماد در این بحث
 از سیر مشائی خود فاصله گرفته و در این
 زمینه به عرفا نزدیک می شود.

۶- مراتب وجود :

وی نظام وجود را به دو سلسله «تجلی» و
 «عود» تقسیم می کند . سلسله اول از ذات
 الهی تا هیولی و سلسله دوم از هیولی تا مبدأ
 می باشد و تجلی را دارای پنج مرتبه اساسی
 می داند :

۱- عقول محض

۲- نفوس فلیکیه
 ۳- صور نوعیه افلاک و نباتات
 ۴- صور جسمیه
 ۵- هیولی و عود را هم دارای پنج مرحله
 و مرتبه می داند که عبارتند از :

۱- جسم مطلق

۲- اجسام مرکب

۳- جس و نفوس نباتی

۴- نفوس حیوانی

۵- نفس ناطقه .

۷- برزخ :

میرداماد به تبع مشائون عالم برزخ را چه
 در قوس نزول و چه در قوس صعود، منکر
 است .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی



پرويشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علوم انساني